

واکاوی معنای برخی واژگان مرتبط با معماری و شهرسازی در قرآن کریم

 10.52547/ami.1111

احمد حیدری / استادیار گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران*
ahmadheydari15@gmail.com

محترم فاتحی / دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۷

چکیده

معماری یکی از هنرهای کاربردی است که از ضروریات زندگی بشری بوده و جلوه‌گر فرهنگ و تمدن‌ساز است. یکی از وجوه تمدن اسلامی، آثار و بناهای برجای مانده در جوامع انسانی و اسلامی است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چه عباراتی در قرآن کریم به معماری و یا فضاهای مرتبط با سازه یا شهر اشاره داشته است؟ هدف از این پژوهش آن است که نقش و جایگاه معماری در قرآن را شناسایی نماید و به توضیح و بازخوانی معنای برخی از واژگان مرتبط با معماری و شهر پردازد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که برخلاف کتاب‌های عهد عتیق و جدید که در آن‌ها اطلاعات جغرافیایی و توصیفات مادی وجود دارد، روح حاکم بر قرآن کاملاً روحانی و غیر مادی بوده و از هرگونه توصیف این جهانی دوری جسته و در بسیاری موارد عبارات مرتبط با بنا و سازه‌ها ارتباطی به توصیف یک معماری یا اثر مادی نداشته و معنای آن عمل نیک انسانی است. در این پژوهش، به توضیح و بازخوانی برخی واژگان همانند مدینه، بیع، مسجد، یَعْمُرُ و محاریب پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: بیت، مدینه، قریه، مسجد، محاریب.

A Biannual Scientific Research Journal

Art & Media Studies

Vol.3, No.6, Autumn and Winter 2022

pp.109-128

Analyze Some Words Related to Architecture and Structure in the Holy Quran

 10.52547/ami.1111

Ahmad Heidari / Assistant Professor Department of Art, Faculty of Art and Architecture, Birjand branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.*

ahmadheydari15@gmail.com

Mohtaram Fatehi / Ph.D. Candidate in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Received: 2021/9/19 - **Accepted:** 2021/12/28

Abstract

Architecture is one of the applied arts that is one of the necessities of human life and is a manifestation of culture and civilization. One of the aspects of Islamic civilization is the relics and buildings left in human and Islamic societies. This research seeks to answer the question of which one of terms in the Holy Qur'an refers to architecture or spaces related to a structure or cities? The purpose of this study is to identify the role and place of architecture in the Qur'an and to explain and reread the meaning of some words related to architecture and the city. The research method is descriptive-analytical and this research concludes that unlike the books of the bible Old and New Testament in which there is geographical information and material descriptions, the spirit of the Qur'an is completely spiritual and immaterial. Any description of this world has been avoided and in many cases the terms related to buildings and structures has nothing to do with the description of an architecture or material work and its meaning is a good human deed. In this research, some words such as Medina, Beya, mosque, Maharib and Yaemoro have been explained and interpreted.

Keywords: Beit, Medina, village, Dar, Mosque.

مقدمه

در قرآن کریم، کمتر به نام شهر و مکان‌های مقدس اشاره شده است؛ به گونه‌ای که حتی نام مکه، شهر محل تولد حضرت محمد ﷺ فقط یک‌بار ذکر شده است. دلیل آن این است که روح مسلط به متن قرآن، کاملاً روحانی و آن جهانی بوده و در تمامی کلام خدا توصیفی از مادیات، جهان میرا و گذرا وجود ندارد؛ درحالی که متون مرتبط با دیانت یهود، بیش‌تر به اماکن و جای‌نام‌هایی اشاره دارد که به‌طور مستقیم مرتبط با استقرار گاه‌های قوم بنی اسرائیل و یا اقوام مجاوری که به گونه‌ای با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند. از این‌رو، به‌نظر برخی محققان، «دیانت یهود، دینی قومی و مختص بنی اسرائیل بوده است» (حمزه‌نژاد و رهروی پوده، ۱۳۹۵: ۲۰؛ توفیقی، ۱۳۸۳: ۶۵-۱۱۲). متن کتاب‌های عهد عتیق اشاره به اماکن مقدس مورد نظر بنی اسرائیل، مکان و مسیر حرکت قوم یهود داشته و در بابل قدیم حتی در پاره‌ای موارد به توصیف دقیق آثار ساختمانی به‌خصوص معبد هیکل که توسط سلیمان نبی ساخته شده و امروزه بقایای آن به‌نام دیوار ندبه (بیت المقدس) مشهور است، پرداخته است (رز، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۹). از این‌رو، تفسیر واژگان مرتبط با معماری و سازه‌های مادی این جهانی در متون مقدس (به‌خصوص قرآن کریم)، نیاز به شناخت محتوای کلی متن آیات و سوره نازل شده است. به‌همین دلیل، ترجمهٔ واژه به واژه گاهی موجب می‌شود که روح معنوی کلام خداوند، تفسیر و معنایی مادی یابد. در این پژوهش، تلاش بر این است که واژگانی که تاکنون با ترجمه و تفسیر مرتبط با معماری ارایه شده از مناظر مختلف به‌خصوص تاریخی مورد تحقیق و بازخوانی قرار گیرد؛ برای مثال، در ترجمه و تفسیر آیه مکرمه ۱۸ سوره توبه که عبارت «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» آمده است، سه ترجمه وجود دارد: منحصرأً کسانی که خانه خدا را تعمیر می‌کنند؛ منحصرأً کسانی که خانه خدا را می‌سازند؛ منحصرأً کسانی که خانه خدا را آباد می‌کنند. در این سه ترجمه، بار معنایی متفاوتی مشاهده می‌شود. زمانی که ترجمه می‌شود، خانه خدا را تعمیر می‌کنند، به‌معنای آن است که سازه‌ای ساخته شده وجود داشته و اکنون تعمیر می‌شود؛ در این‌جا نیاز است مطالعه تاریخی شود که آیا زمان نزول آیات، مسجدی

ساخته شده بوده، نام آن چه بوده، کجا قرار داشته و چه اطلاعاتی از وصف آن بنا وجود دارد؟

در ادبیات، غیر از انتقال معنای مراد، صورت پیام هم مطرح است. پس در این صورت، معنی به‌گونه‌ای آراسته می‌شود که صورت مطلوب برآورده گردد و به بیان دیگر، صورت‌گری شود (کوپا، ۱۳۸۳: ۱۵۱-۱۵۲). با چنین تعریفی از ادبیات، باید گفت که زبان قرآن و نیز هنر اسلامی دارای نظامی ادبی است. اگرچه باید توجه داشت که متن قرآن، سخن خداوند متعال است و با متون بشری تفاوت جوهری و ماهوی دارد. لیکن باوجود نزول به زبان مردمی (ابراهیم: ۴)، روان و ساده (دخان: ۵۸؛ شعراء: ۱۹۵) شده است (مطیع و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱). هنر معماری نیز، چون دیگر هنرها با زبان و ادبیات خود، مفاهیم را بیان می‌کند و دورنمای دایر را در دسترس آدمی می‌نهد (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۱: ۱۷۷).

روش تحقیق

مقاله حاضر در حوزه تحقیقات کیفی قرار دارد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و ابزار تحقیق مطالعه کتابخانه‌ای است. برای تحلیل معنای هر واژه در متن کلام الهی، سعی شده با مقایسه تطبیقی واژگان در متن قرآن کریم، به معنای آن پرداخته شود. از آن‌جا که اساس کلام الهی بر پایه وحی است، مبنا و اصل رجوع به واژگان براساس بازخوانی سلسله مراتب معانی و بطن‌های پنهان معانی قرآنی است. در نحوه رجوع به آیات قرآنی نیز از تفسیر و ترجمه قرآن و از شیوه تفسیر آیه به آیه بهره جسته و کلمات و معانی استخراج شده در روش تفسیر از منظر زبان‌شناسی مورد تحقیق قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در زمینه واژگان مرتبط با مباحث زیباشناسی در قرآن کریم، مطالعات بسیاری شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵؛ احتشامی و پورصالحی، ۱۴۰۰). ولی درباره واژگان

مرتبط با معماری و سازه در قرآن کریم، مطالعات بسیار کمی انجام شده، بیشتر پژوهش‌ها بر اساس تفسیر کلی قرآن شکل گرفته‌اند. در مجموع تحقیقات صورت گرفته به صورت مستقیم و غیرمستقیم در زمینه واژگان مرتبط با معماری و سازه در قرآن، در دو گروه کلی طبقه‌بندی می‌شود: دسته اول محققانی که صرفاً روی واژگانی که بار معنایی مرتبط با سازه دارد، تحقیق کرده‌اند. گرابار جزء نخستین کسانی است که به ترجمه و توضیح برخی واژگان مرتبط با هنر و معماری در قرآن کریم پرداخته است. او واژگانی چون محاریب، تماثل و جِفاَن (گرابار، ۱۳۸۴: ۵۷)، دار، بلد، مسجد (همان: ۱-۶۰) را شرح و توضیح داده است. بورکهارت در مبحث محراب در آیات قرآنی، آن را پناهگاه معنا نموده و شکل محراب را مانند تاقچه چراغ یا نور تصویر نموده است (بورکهارت، ۱۳۹۳: ۹۷-۹۸). وی سپس مبحثی را به جدایی هنر و صنعت‌گری با استناد به احادیث مطرح کرده است (همان: ۲۰۴). در پژوهش دیگر، با عنوان بازنمود مفاهیم و ساختار ادبی قرآن در معماری اسلامی، نویسندگان به چگونگی تأثیر قرآن بر معماری اسلامی از طریق عناصر ادبی پرداخته‌اند (مطیع و همکاران، ۱۳۹۲). دسته دوم، محققانی هستند که به تفسیر آیات قرآنی پرداخته و از خلال متن آن مفاهیم مرتبط با معماری و سازه استخراج نموده‌اند و گاهی به نظریه‌پردازی در زمینه معماری اسلامی دست یازیده‌اند. همانند جوادی آملی که ایشان با استناد به برخی از آیات و احادیث، مبحث جمال باصره و جمال عاقله را شرح می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۰-۱۲). سیدحسین نصر برخی واژگان و آیات قرآن را که مرتبط با مفاهیم عرفانی و معرفت دینی مطالعه نموده است (نصر، ۱۳۸۳: ۳۴۱؛ ۱۳۸۹). اردلان، بیش‌تر به مطالعه هندسه مقدسی در معماری دوران اسلامی پرداخته و به برخی آیات و روایات مرتبط نیز اشاره نموده است (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۲۸-۳۳)، نقره‌کار با استناد به آیات و احادیث، به حکمت هنر و معماری اسلامی در معماری پرداخته است (نقره‌کار، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۴)، مددپور با استناد به برخی آیات، برخی واژگان مانند قرب را از بعد تاریخی مورد پژوهش قرار داده است (مددپور، ۱۳۷۱: ۷۳-۷۶). همچنین در یک پژوهش درباره زبان گذر، به معنای مرکزی واژه بیان در قرآن کریم پرداخته شده است

(بهرامی خورشید و همکاران، ۱۳۹۸). این پژوهش به ترجمه و توضیح برخی واژگان مرتبط با هنر و معماری در قرآن کریم پرداخته است.

واژگان مرتبط با معماری و سازه

۱. بیت، بیت الله، بیت الحرام، بیت المقدس

در متون قرآن کریم، واژگانی مانند: بیت، دیار، دار، مسکن، العماد و عمارت به معنای محل سکونت یا سکونت‌گاه ترجمه و تفسیر شده است.

در این میان، بیت، واژه‌ای عام برای خانه است که حریمی خصوصی به‌شمار می‌رود (آل عمران: ۴۹؛ نساء: ۱۰۰؛ نور: ۲۷-۲۹). از نظر لغوی، بیت در ادبیات پهلوی و آرامی واژه‌ای کهن محسوب شده و بیش‌تر اشاره

«به مکانی دارد که یک فرد عالی‌مقام سیاسی یا مذهبی در آن مکان اقامت داشته و یا رویداد مهمی در آن مکان رخ داده است. برای مثال، شهر بیشاپور به معنای بیت شاپور است؛ یعنی مکانی که کاخ‌های شاپور یکم و آتشکده آنهایتا در آنجا تأسیس شده بود» (حیدری، ۱۳۹۸: ۱۹).

یا بیت المقدس به معنای مکان یا خانه مقدس است که در آن روایات متعدد و مهمی برای سه دین یهود، مسیحیت و اسلام رخ داده است. گرچه واژه بیت به معنای شهر و خانه است، ولی گاه معنای حریم خصوصی یا حریم مقدس نیز می‌یابد. این معنا در آیه‌ای از قرآن کریم (احزاب: ۳۳-۳۴) مشخص است که اشاره به منازل همسران پیامبر دارد که بایستی حرمت و حریم آن حفظ شود. بیت در معنای استعاری خود، در جای دیگر (یوسف: ۲۳)

«در اشاره به اقامتگاه باشکوه زلیخا، مشاهده می‌گردد؛ هنگامی که به

زرین بودن این خانه اشاره می‌شود (بنی اسرائیل: ۹۳)، منظور تحقیر آن

خانه به‌عنوان تجلی ثروت است» (رضایی هفتادار، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

واژه بیت در قرآن مجید، به دو معنای عام و خاص ترجمه و تفسیر شده است. در

مفهوم عام، بیت به معنای خانه و یا حریم و در موارد خاص به معنای خانه خدا ترجمه

و تفسیر شده است. بیت در مفهوم خاص به اشکال، بیت، البیت الحرام، البیت المعمور، البیت العتیق به کار رفته است. در ترجمه و تفسیر واژه بیت، در تمامی آیات مبارکه (بقره: ۱۲۵، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۵۸؛ آل عمران: ۹۶؛ ابراهیم: ۳۷؛ قریش: ۳)، بیت به معنای کعبه (خانه خدا) ترجمه شده است. البیت الحرام (مائده: ۲ و ۲۹) به معنای خانه کعبه و خانه محترم؛ البیت العتیق (حج: ۲۹ و ۳۳) به معنای خانه دیرینه و بیت عتیق ترجمه شده است. در قرآن فقط دو بار کلمه الكعبه (مائده: ۹۷) آورده شده است (جدول ۱).

جدول ۱: ترجمه و تفسیر بیت (در مفهوم خاص) در قرآن کریم، (منبع: نگارندگان)

در مفهوم عام، بیت به معنای خانه یا منزلگاه بشر و یا حریم خصوصی یک شخص

واژه	ترجمه	نام سوره و شماره آیه
البیت، البیت، بیت، بیت، بیت	خانه کعبه	بقره: ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۵۸؛ آل عمران: ۹۶؛ قریش: ۳؛ نساء: ۱۰۰؛ انفال: ۳۵؛ یوسف: ۲۳؛ ابراهیم: ۳۷؛ اسراء: ۹۳؛ حج: ۲۶؛ عنکبوت: ۴۱؛ تحریم: ۱.
البیت الحرام	خانه کعبه	مائده: ۲
البیت الحرام	خانه محترم	مائده: ۹۷
البیت المعمور	خانه آباد	طور: ۴
البیت العتیق	خانه دیرینه، بیت عتیق	حج: ۲۹، ۳۳
الكعبه	کعبه	مائده: ۹۵، ۹۷

به کار رفته است. در این حالت، وسعت معنای این واژه زیاد شده و از احکام مرتبط با آن در معماری اسلامی استفاده شده است. در قرآن، از واژه بیت در توصیف انواع خانه استفاده شده است؛ مثل معماری صخره‌ای^۱ (اعراف: ۷۴؛ حجر: ۸۲؛ شعراء: ۱۴۹)، معماری چادری (نحل: ۸۰)، غارنشینی و سکونت در محیطی غارگونه و کاملاً طبیعی مثل: غارها (نحل: ۸۱). اشاره به معماری حشرات: مثل لانه زنبور (نحل: ۶۸) و عنکبوت (عنکبوت: ۴۱). ولی در تمامی این موارد که حداقل توصیفی از نوع سکونتگاه‌ها دارد، باز هم صرفاً به ایمان، عمل درست و پرهیزکاری تأکید دارد و مستقیم یا غیر مستقیم انسان را به عمل صالح دعوت می‌کند.

همچنین برخی آیات به اصول معماری اسلامی نیز اشاره دارند. مثل اصل پرهیز از بیهودگی یا استفاده از تزئینات زیاد در نما (احزاب: ۳۳)؛ مفهوم آسایش در منزل که گاه به آرامگاه نیز ترجمه و تفسیر شده است (نحل: ۸۰)؛ اصل محرمیت در معماری (بقره: ۱۸۹؛ نور: ۲۷، ۲۹؛ احزاب: ۵۳)؛ اشاره به مالکیت (نور: ۶۱؛ قصص: ۱۲). در برخی آیات (زخرف: ۳۳، ۳۴؛ اسراء: ۹۳) به تزئینات بنا (درب، نردبان، مصالح بنا که از طلا است) اشاره شده، ولی کاملاً استعاری است و مفهوم کلی آن نکوهش دنیای مادی است. در بعضی آیات (یونس: ۸۷؛ نور: ۳۶؛ احزاب: ۳۴)، بیت، به معنای خانه (محل برای عبادت و ذکر) ترجمه و تفسیر شده است. تنها در یک مورد بیت (تحریم: ۱۱) به معنای خانه در بهشت است که هیچ توصیف سازه‌ای یا بصری از آن نشده است (جدول‌های ۲ و ۳).

جدول ۲: ترجمه و توضیح واژه بیت (در مفهوم عام) در قرآن کریم، (منبع: نگارندگان)

واژه	ترجمه	نام سوره / شماره آیه	توضیحات
الْبُيُوتِ، بُيُوتٍ، بُيُوتٍ، بُيُوتٍ، بُيُوتًا، بُيُوتِ	خانه‌ها، خانه	آل عمران: ۴۹؛ نساء: ۱۵، ۱۰۰؛ انفال: ۱۵؛ یونس: ۸۷؛ یوسف: ۲۳؛ هود: ۷۳؛ نمل: ۵۲، ۵۳؛ نوح: ۲۸؛ طلاق: ۱؛ ذاریات: ۲۶؛ احزاب: ۱۳	
بُيُوتًا	خانه‌ها	اعراف: ۷۴؛ حجر: ۸۲؛ شعراء: ۱۴۹؛ فجر: ۹	معماری صخره‌ای
بُيُوتًا	خانه‌ها	نحل: ۸۰	خانه‌های چادری
أَكْنَانٍ	خانه‌های پنهان	نحل: ۸۱	غارها، بناهای صخره‌ای
بُيُوتًا	خانه‌ها	نحل: ۶۸	لانه زنبور
بُيُوتًا، بُيُوتٍ، بُيُوتٍ	خانه، خانه‌ها	عنکبوت: ۴۱	لانه عنکبوت
بُيُوتًا	خانه	تحریم: ۱۱	خانه در بهشت

جدول ۳: اصول معماری اسلامی در آیات قرآن کریم، (منبع: نگارندگان)

اصول معماری اسلامی	کلمه یا عبارت	ترجمه	نام سوره / شماره آیه	توضیحات
پرهیز از بیهودگی	بُيُوتِ، اَلْبُيُوتِ	خانه‌ها، خانه	احزاب: ۳۳	
محرمیت در معماری	اَلْبُيُوتِ، بُيُوتًا، بُيُوتَ	خانه‌ها	بقره: ۱۸۹؛ نور: ۲۷، ۲۹؛ احزاب: ۵۳	
جهت ساخت و تقدس خانه	بُيُوتِ، بُيُوتِ	خانه‌ها	یونس: ۸۷؛ نور: ۲۶؛ احزاب: ۳۴	خانه محلی برای عبادت و ذکر
آسایش	بُيُوتِ	خانه‌ها	نحل: ۸۰	
مالکیت خانه	بُيُوتِ، بُيُوتًا	خانه‌ها	نور: ۶۱؛ قصص: ۱۲	اشاره به مالکیت (مَفَاتِحَ کلیدها)
تزئینات بنا	بُيُوتِ	خانه‌ها	زخرف: ۳۳، ۳۴؛ اسراء: ۹۳	اشاره به عناصر معماری یا تزئینات بنا؛ همان درب، سرپر، نردبان، خنجرهای از طلا

در کتب عهد عتیق که در آن به نام شهر، قریه‌ها و نام مکان‌های زیادی اشاره شده است؛ و این جای‌نام‌ها پیوسته با حرکت، اسکان و رویدادهایی که برای قوم یهود رخ داده، ارتباط دارد. برای مثال، در سفر ناحوم و حبقوق نبی، کسانی که تقریباً در زمان سقوط دولت آشور حدود ۶۱۶ تا ۶۱۲ پ.م می‌زیستند، روایت ناحوم نبی از سقوط نینوا، که توسط ماد و بابل در ۶۱۲ پ.م اتفاق افتاد و روایت حبقوق درباره فتح آشور و فرار مردم در هنگام سقوط شهر در ۶۱۴ پ.م توسط مادها اطلاع می‌دهد (-Danda 199-200: mayev, 1990)، ولی در قرآن هیچ‌گونه توصیفی مانند کتب عهد عتیق و جدید از این جهان، در قالب نام‌های جغرافیایی نشده است. نام‌های جغرافیایی به‌ندرت استفاده شده است؛ حتی نام یثرب (احزاب: ۱۳)، مکه به‌شکل بکه (آل عمران: ۹۶) فقط یک‌بار به‌کار رفته است.

در قرآن، نام اقوام و ملل به‌ندرت و بیش‌تر در دو قالب ذکر شده است:

الف) نام ملت یا قوم در قالب تاریخی، مثل روم و مصر. روم نام کشور و امپراتوری مشهور هم‌زمان زیست پیامبر بوده است، در قرآن، سوره‌ای نیز به آن نام است، ولی با این حال، در این سوره، فقط یک‌بار در آیه ۲، نام روم آورده شده و متن آیه کاملاً روحانی و به‌عبارتی آن جهانی است. همچنین نام کشور تاریخی مصر نیز ۵ بار در قرآن آورده شده که آن هم در روایات مرتبط با موسی و فرعون است (زخرف: ۵۱؛ یوسف:

۲۱، ۹۹؛ یونس: ۸۷؛ زخرف: (۵۱).

ب) نام ملت یا اقوام در قالب اسطوره‌ای: در قرآن همانند کتب عهد عتیق نام اقوام اسطوره‌ای مثل لوط، ثمود، عاد و... به کار رفته است. اگرچه نام این گونه اقوام اسطوره‌ای است، ولی باز هم در قالب روایات است که پیام‌هایی روحانی، عرفانی و عبرت‌آمیز و نکوهش از تجمل، دنیای فانی و میرا دارد.

۲. مدینه

واژه مدینه از جمله واژه‌های بکری است که کمتر به آن پرداخته و مورد تحقیق و تفسیر قرار گرفته است. در قرآن کریم، نام مدینه به دو مفهوم عام و خاص به کار رفته است. در مفهوم عام (اعراف: ۱۱۱؛ توبه: ۱۰۱، ۱۲۰؛ هود: ۸۴، ۹۵؛ کهف: ۸۲؛ احزاب: ۶۰؛ شعراء: ۳۶، ۵۳؛ منافقون: ۸)، شهر ترجمه شده است. در مفهوم خاص، واژه مدینه با توجه به متن آیه و سوره، به شهر موسی (اعراف: ۱۲۳؛ قصص: ۱۵، ۱۸، ۲۰)، شهر لوط (حجر: ۶۷)، شهر ثمود (نمل: ۴۸)، شهر اصحاب کهف (کهف: ۱۹) ترجمه و تفسیر شده است. در یک آیه، مفهوم مدینه دقیقاً به معنای مرکز یا پایتخت مصر است، که در برگردان‌ها به شکل کلی، مصر ترجمه شده است (یوسف: ۳۰). با بررسی این نام در صدر اسلام و در زمان زندگی پیامبر متوجه می‌شویم که اعراب به شهری که پایتخت یا مرکز یک کشور بوده و در آن جا رجل سیاسی آن کشور یا ولایت در آن سکنی می‌گزیده، مدینه می‌گفتند. از این‌رو، به یثرب که محل اسکان پیامبر شده بود، مدینه گفتند و یا وقتی که دولت ساسانی توسط اعراب سقوط کرد، به تیسفون مدائن گفتند. از این‌رو، مدینه می‌تواند پایتخت یا شهر والی تفسیر گردد.

در مجموع، توصیف اقوام یا جغرافیای تاریخی در قرآن کریم (مانند آنچه در کتب عهد عتیق دیده می‌شود) وجود نداشته و اگر در پاره‌ای موارد اشاره‌ای به برخی اقوام یا کشورها شده، آن آیات مشهور به قصص قرآنی است و تقریباً روایاتی هستند که مرتبط با چگونگی ترمرد و انحطاط اقوامی بوده که از ستایش خداوند روی گردانیده و دچار قحط و عذاب الهی شده‌اند. نام این اقوام و تمدن‌های ذکر شده در متن قرآن

شامل روم (سوره روم، آیه: ۲)، مصر (زخرف: ۵۱؛ یوسف: ۲۱، ۹۹؛ یونس: ۸۷؛ زخرف: ۵۱)، سبأ (سبأ: ۱۵؛ نمل: ۲۲)، قوم عاد، لوط و ثمود است.

۳. بلد، دار، قریه

از دیگر واژگانی که به جغرافیای خاصی اشاره دارد، واژه بلد است. این واژه نیز به دو مفهوم عام (سرزمین) و خاص (سرزمین مکه) ترجمه و تفسیر شده است.

جدول ۴: ترجمه و توضیح واژه بلد در قرآن کریم، (منبع: نگارندگان)

نام عبارت یا واژه	ترجمه	نام سوره، شماره آیه
بَلَدًا امِنًا	شهری امن (مکه)	بقره: ۱۲۶
الْبِلَادِ، بَلَدٍ	معنای عام شهرها	آل عمران: ۱۹۶؛ نحل: ۷؛ مومن: ۴؛ فجر ۸، ۱۱
الْبَلَدِ، الْبَلَدِ	شهر (مکه)	نمل: ۹۱؛ ابراهیم: ۳۵؛ بلد: ۱، ۲
الْبَلَدِ الْأَمِينِ	شهر امن (مکه)	تین: ۳
الْبَلَدِ الطَّيِّبِ	بلد پاکیزه	اعراف: ۵۸

یکی دیگر از عبارات قرآنی که به محل سکونت اشاره می‌کند، واژه قریه است. این واژه، عام و در تمام آیات (بیش از ۵۴ بار) به معنای مفهوم ده یا روستا ترجمه شده است. در آیه ۳۱ زخرف، الْقَرْيَتَيْنِ به معنای دو شهر (مکه و طائف) تفسیر شده است. عبارت أم القرى، ۲ بار در قرآن (انعام: ۹۲؛ شوری: ۷) به معنای شهر مکه ترجمه شده است. از دیگر عباراتی که در قرآن به کار رفته و به معنای خانه و سرا ترجمه و تفسیر شده است، واژه دار است. این واژه، در حالت عام، به معنای خانه و سرا به کار رفته است. گاه واژه دار به شکل مرکب به کار رفته است. مثل «وَالدَّارِ الْآخِرَةِ» (اعراف: ۱۶۹؛ یوسف: ۱۰۹ و...) به معنای سرای آخرت، «دَارِ السَّلَامِ» (انعام: ۱۲۷؛ یونس: ۲۵؛ نحل: ۲۵؛ قصص: ۸۳؛ عنکبوت: ۶۴؛ احزاب: ۲۹)، «دَارِ الْمُتَّقِينَ» (نحل: ۳۰) سرای پرهیزکاران

تفسیر شده است.

«واژه دار در زبان قرآنی، به معنی سرا و خانه استفاده شده است. در پنج مورد، به معنی خانه معمولی و در دو ترکیب، سرای هلاکت و سرای فاسقین نامیده شده است. ترکیب‌های دارالمتقین، دارالقرار، دارالخلد، دارالمقامه و دارالسلام، اشاره به جهان ابدی و سرای آخرت دارد. در معنی کلمه دار نقل شده است: محلی است که جامع نباء و عرصه است» (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۵۱).

«کلمه دار یعنی فرود آمدن و سکنی گزیدن با اعتبار این که اطرافش و دورش با دیوار احاطه شده آن را دار گفته‌اند، جمع آن دیار است. شهر و بیابان و ناصیه هم دار نامیده شده و دنیا هم چنان که هست و می‌شود دار نامیده شده است. الدار دنیا و الدار الاخره اشاره به اقامتگاه و زیستگاه در آفرینش یعنی حیات و قیام در دنیا و آخرت است که آن‌ها را دار دنیا و دار آخرت یعنی خانه دنیا و خانه آخرت گویند» (اصفهانی، ۱۳۸۷: ۶۹۴؛ کبیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴).

واژه قصر در قرآن نیز استعاری است و منظور یک کاخ یا ساختمان نیست. واژه قصر چهار بار در قرآن به کار رفته است که در هر چهار بار کاخ یا ساختمان بلند ترجمه و تفسیر شده است. در یک آیه، آمده

«آن آتش شراره‌هایی چون قصر (ساختمانی بلند) پرتاب می‌کند.

گویی آن شراره‌ها مانند شتران زرد رنگند» (مرسلات: ۳۲ و ۳۳).

در این آیه، قصر معنایی استعاری داشته و معنا و مفهوم یک سازه ندارد، بلکه منظور عظمت و هیبت بزرگ آتش است. تنها در یک جا که از عبارت قَصْرٍ مَشِيدٍ استفاده شده است؛ در این جا، اشاره به سازه‌های مادی ستمکاران دارد (حج: ۴۵). در جای دیگر، صریحاً می‌گوید که کاخ و بوستان‌های باشکوه در آن دنیا (بهشت) برای شما قرار داده شده است (فرقان: ۱۰). از این رو، مشخص است واژه قصر یا ساختمان‌های بلند و باشکوه مورد تأیید قرآن برای انسان فانی و گذرا نیست، بلکه انسان می‌بایست با اعمال

نیک خود خانه یا کاخ بلند خود را در آن دنیا (بهشت) بسازد.

«از دیگر کلمات ناظر بر اینیه یا اماکن که به‌ندرت به‌کار رفته است، واژهٔ مَثْوٰی به‌معنای اقامتگاه، (محمد: ۱۹) یا مَصَانِعْ به‌معنای ساختمان‌ها (شعراء: ۱۲۹) است. در چند مورد، شیوه‌های ساختمان‌سازی، غالباً به‌شکلی استعاری، ذکر می‌شود. مثلاً در آیه دوم سوره رعد، آسمان‌ها، ساخته‌های معجزه‌آسای خداوند تصویر می‌شوند که بدون ستون برپا شده‌اند» (رضایی هفتاد، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

یکی دیگر از واژگان، صَرْحًا یا الصُّرْحُ است که سه بار در قرآن آورده شده و به‌معنای برج بلند در روایت فرعون و موسی (قصص: ۳۸؛ غافر: ۳۶) و در روایت سلیمان و ملکه سبا، صَرْحٌ به‌معنای صحن یا فضای درونی کاخ که از شیشه است، توصیف شده است (نمل: ۴۴).

در قرآن، آسمان به‌صورت هفت طبقه توصیف شده است. واژگانی چون طرائق و طِبَاقًا (مؤمنون: ۱۷؛ جن: ۱۱؛ ملک: ۳؛ نوح: ۱۵)، ولی همین توصیف این جهانی، نیز استعاری است و رابطه‌ای نزدیک با حقیقت الهی، سیر عرفانی و مراحل کمال دارد، یعنی همان قوس در معماری که از ارض به سماء وصل می‌شود. واژگان غُرْفًا (عنکبوت: ۵۸؛ سبأ: ۳۷) و الغُرْفَاتِ (سبأ: ۳۷) در توصیف غرفه‌های بهشتی آورده شده است. خیم به‌معنای خیمه‌ها یا آلاچیق‌ها که در آن حوریان مأوا دارند (رحمن: ۷۲) و نیز سُرُر (مفرد سریر) که یکی از چند واژه موجود برای اشاره به تخت شاهی با ملازمان جوان (واقعه: ۱۵) و مخصوصاً اورنگ خود خداوندی در آیهٔ ۷ سوره مؤمن عرش است که جمعاً ۲۹ بار در قرآن به‌کار رفته است (گرابار، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۴).

واژهٔ عرش که جمعاً ۲۹ بار در قرآن به‌کار رفته است، در اغلب موارد، این واژه به‌صورت مفرد و در اشاره به اورنگ خداوند به‌عنوان محل حضور الهی به‌کار می‌رود. واژهٔ عرش در قصهٔ سلیمان و ملکه سبأ هم یک‌بار به‌کار رفته است (نمل: ۲۴۱). صورت جمع این واژه، عروش (بقره: ۲۵۹؛ کهف: ۴۲؛ حج: ۲۲-۴۵) به بخشی از یک مجموعه ساختمانی بزرگ‌تر دلالت دارد. در این موارد، این واژه معمولاً به‌صورت

برجک‌ها یا داربست‌ها ترجمه می‌شود که حاکی از سردرگمی مترجمان و مفسران دربارهٔ خصیصه‌ای است که همواره مورد غضب خداوند قرار گرفته و ویران شده است (گرابار، ۱۳۸۴: ۶۴).

۵. مسجد و محراب

مسجد از جمله واژگانی است که نیاز به تفسیر و دقت بیش‌تری دارد. مسجد (محل سجده) ۲۲ بار در قرآن به کار رفته است.

«در ۱۵ مورد، با صفت الحرام به کار می‌رود که ناظر بر مکانی مقدس در مکه است که قداست پیش از اسلام آن در وحی اسلام حفظ و دگرگون شد و این مکان مقدس کعبه یا خانه مقدس (البیت الحرام در آیه ۹۷ سوره نجم) است که ابراهیم و اسماعیل آن را ساختند (بقره: ۱۲۵). شش مرتبه مسجد به صورت منفرد آورده شده است و در یک‌بار، با صفت مسجدالاقصی (اسراء: ۱) آورده شده است. در آیه اول سوره اسراء این واژه برای بار دوم در عبارت دورترین مسجد (مسجدالاقصی) به کار می‌رود که محل دقیق آن موضوع مناقشات بسیار بوده است. بدون شک در برهه‌ای از تاریخ و به احتمال در اواسط قرن دوم هجری این واژه به بیت المقدس به کار رفته است. اما در خلال قرن اول بعد از هجرت پیامبر به مدینه، بسیاری از افراد، مسجدالاقصی را مکانی در نزدیکی مکه یا مکانی نمادین در رخدادی معجزه آسا (یعنی معراج) می‌دانستند» (گرابار، ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۵۹).

برخی مفسرین، سعی کرده‌اند، واژه مسجد را یک سازه یا فضای معماری تفسیر کنند. در این خصوص، آیات سوره توبه به خصوص آیات ۱۷ و ۱۸ از جمله مواردی است که در مساجد دوران اسلامی استفاده شده و به‌کرار در تزیینات مساجد دیده می‌شود. در آیه ۱۸ سوره توبه، این‌گونه شروع می‌شود: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ...» در این‌جا، عبارت ذکر شده تاکنون چندین‌گونه ترجمه شده است:

۱. ترجمه الهی قمش‌های و دیگران: منحصرأ کسانی که مساجد خدا را تعمیر

می‌کنند.

۲. ترجمه فولادوند و دیگران: مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند.
۳. در برخی ترجمه‌های قدیمی‌تر آورده شده: کسانی که مساجد خدا را می‌سازند. واژه *يَعْمُرُ* به معنی تعمیر یا ساختن نیست، بلکه به معنای آباد کردن صحیح است. این واژه به مسجد مرتبط است. مسجد در صدر اسلام یک سازه مشخص نبوده است، همان‌گونه که می‌دانیم «نخستین مسجد اسلام، خانه پیامبر بوده است» (البهنسی، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۵۷) و پیامبر در احکام خودش هر مکانی که غیر غصبی بوده را برای اقامه نماز مجاز دانسته است. بر اساس اسناد متقن،

«دومین مسجدی که در دنیای اسلام ساخته می‌شود، مسجد جامع دمشق است که بین سال‌های ۸۸ تا ۹۶ ه.ق بنا شده است که توسط ولید بن عبدالملک بر روی پایه‌های کنیسه یوحنا قدیس ساخته می‌شود» (اسماعیل علام، ۱۳۸۲: ۲۱).

به عبارتی، در هیچ‌یک از آیات، مسجد به معنای سازه‌ای مادی با مصالح ساختمانی نیست. با توجه به روح معنوی حاکم بر قرآن، معنای مسجد محل عبادت بوده که می‌توانسته هر زمین (بدون ساختمان) یا فضایی باشد. واژه *يَعْمُرُ* در ترجمه آیه ۱۸ سوره توبه، آباد می‌کنند، معنا می‌دهد؛ چراکه منظور و مفهوم آیه آن است که کسانی که در محل عبادت حضور می‌یابند. در این‌جا، حضور برای نیایش، آباد کردن معنا یافته، نه تعمیر کردن یا ساختن؛ چراکه هیچ بنایی وجود نداشته تا تعمیر شود یا الگوی خاصی پیشنهاد نشده که به ساختن بنای مادی تأکید گردد. همچنین

«در احادیث، آمده که پیامبر فرموده که مؤمن واقعی کسی است که خانه باشکوه خود را در آن دنیا بسازد» (هوگ و مارتین، ۱۳۷۵: ۱-۲).

«آیه ۴۰ سوره حج که به ذکر فهرستی از اماکن مقدس می‌پردازد که اگر خداوند برای نجات آن اقدام نکرده بود، ویران می‌شدند. این فهرست شامل صوامع، بیع، صلوات و مساجد است که کمابیش به صومعه‌ها (یا دیرها)، کلیساها، کنیسه‌ها و مسجدها ترجمه می‌شوند. دو واژه نخست در

هیچ‌جای دیگر قرآن به‌کار نرفته است. واژه سوم یعنی صلوات که جمع صلوات است، معمولاً در اشاره به فریضه نماز مسلمانان به‌کار می‌رود» (گرایار، ۱۳۸۴: ۶۰).

به‌نظر می‌رسد در این‌جا، واژه صلوات به‌معنای عمل نمازگزاران یا همان نماز و مسجد به‌معنای محل گزاردن نماز است. آیه بعدی در همان سوره، مکمل معنای آن است؛ در آیه ۴۱ آمده:

«همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده‌وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست».

در این آیه، سه واژه وجود دارد. واژه نخست درباره مسجد است؛ یعنی زمینی که در آن نماز برپا می‌شود. واژه دوم صلوات است؛ یعنی فریضه نماز. واژه سوم زکات است که مرتبط با بیع در آیه قبلی است که به‌معنی فروش است که اشاره به مکان یا افرادی دارد که فروشنده‌گی می‌کنند و بایستی زکات آن کار را بدهند. در آیه ۴۰ سوره حج نشان می‌دهد که فقط صومعه‌ها که توسط مسیحیان ساخته شده بود، مکان یا سازه عبادی معرفی شده و سه واژه دیگر (بیع، صلوات و مساجد) ربطی به یک سازه مادی و این جهانی ندارد و معنای آن کاملاً معنوی و مرتبط با عمل صالح است.

از دیگر واژگان مرتبط با اماکن مذهبی، واژه محاریب و محراب است. محاریب یک بار در قرآن (سباء: ۱۳) آمده است؛ درحالی‌که واژه المحراب چهار بار در قرآن به‌کار رفته که سه مرتبه در وصف احوال و روایات مرتبط با زکریا و مریم (آل عمران: ۳۷، ۳۹؛ مریم: ۱۱) و در یک مورد، شرحی درباره حضرت داود است (ص: ۲۱). در تاریخ معماری، مشخص است که محراب به‌معنای مکان نیایش بوده و در اماکن مذهبی عیسویان رواج داشته و بعدها از کلیساها به مساجد راه یافته است. همان‌طور که در ۵ موردی که واژه محراب و محاریب آمده، متن تمام آیات مرتبط با روایات زکریا، مریم و سلیمان است. در تمامی موارد، با توجه به واژه محراب و متن آیه نشان می‌دهد، واژه محراب مرتبط با کلیسا یا مکان‌های مذهبی عیسویان است.

نتیجه

این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که ترجمه و تفسیر واژگان مرتبط با معماری صرفاً نبایستی از منظر زبان‌شناسی انجام شود. برای شناخت معانی مرکزی (زبان-گذر) واژگان مرتبط با معماری نیاز به مطالعه تاریخ معماری، مباحث زبان‌شناسی و روح معنوی حاکم بر کلام قرآن است. ترجمه و تطبیق برخی از واژگان با دنیای مادی، موجب نقصان در انتقال معنا می‌شود. در این پژوهش، واژگانی مانند، مسجد، محاریب، مدینه و بیت مورد تحلیل قرار گرفته است. مشخص گردید که در زمان نزول قرآن و با توجه به آیات متعدد، مسجد به معنای زمین یا فضای نیایش و نمازگزاردن است و توصیف آن به یک کالبد مادی و معماری صحیح نیست. همچنین واژه *يَعْمُرُ* در آیه ۱۸ سوره توبه به معنای آباد کردن است و در این آیه، حضور یافتن مؤمن برای نماز و نیایش، مفهوم آباد کردن یافته است و برخلاف برخی ترجمه‌های قرآن کریم، *يَعْمُرُ* ارتباطی به تعمیر یا ساخت بنا ندارد.

آیه ۴۰ سوره حج که به ذکر فهرستی از اماکن مقدس می‌پردازد، به صومعه‌ها، کلیساهای، کنیسه‌ها و مسجدها ترجمه شده است. پیشنهاد می‌شود که به‌غیر از واژه نخست که صوامع، جمع صومعه به معنای مکان مذهبی عیسویان است، سه واژه دیگر شامل *بِيع*، صلوات و مساجد اشاره به مکان یا فضایی (نه معماری) که در آن عمل صالح مثل زکات، اقامه نماز انجام می‌شود، دلالت معنایی می‌یابد.

واژه بیت در قرآن مجید، به دو معنای عام (خانه و یا حریم خصوصی) و خاص (خانه خدا) ترجمه و تفسیر شده است. از آن‌جا که متن قرآن به صورت کلی هیچ توصیفی از این جهان مادی ندارد، از این‌رو، ترجمه و تطبیق معنای کلمات با اماکن تاریخی و یا بناهای این جهانی کار بیهوده‌ای است. البته در متن و معنای آیات به اصول معماری اسلامی اشاره شده است که این اصول شامل پرهیز از بیهودگی، محرمیت در معماری، جهت ساخت و تقدس خانه، آسایش، مالکیت خانه و تزیینات بنا است که در جداولی در متن مقاله توضیح داده شده است.

برخلاف کتب عهد عتیق که به نام شهر، قریه‌ها و نام مکان‌های جغرافیایی زیادی

اشاره شده است؛ که این نام‌ها پیوسته با حرکت، اسکان و رویدادهایی مرتبط با قوم یهود در ارتباط است، در قرآن، هیچ‌گونه توصیفی مانند کتب عهد عتیق و جدید از این جهان، در قالب نام‌های جغرافیایی به عمل نیامده است. نام‌های جغرافیایی به ندرت استفاده شده است؛ حتی نام یثرب (احزاب: ۱۳) و مکه به شکل بکه (آل عمران: ۹۶) فقط یک‌بار به کار رفته است. در قرآن، نام اقوام و ملل به ندرت و آن هم در دو قالب تاریخی و اسطوره‌ای ذکر شده که در قالب تاریخی، مثل روم و مصر و در قالب اسطوره‌ای مثل لوط، ثمود، عاد و... به کار رفته است. البته نام این اقوام در قالب روایاتی ذکر شده که پیام‌هایی روحانی، عرفانی و عبرت‌آمیز ارائه داده و نکوهش از تجمل، دنیای فانی و میرا را بشارت می‌دهند.

درباره واژه مدینه بیان شد که گرچه مدینه به معنای شهر است، ولی این کلمه نیز دارای دو مفهوم عام و خاص است. در مفهوم خاص مدینه به مسجدالحرام اطلاق شده و در مفهوم عام، در زمان پیامبر، هر شهری که رجل سیاسی و یا مذهبی در آن جا مستقر و یا سکونت داشته، مدینه اطلاق می‌شده است. از این رو، مدینه به معنای مرکز یک ناحیه یا پایتخت محسوب می‌شده است؛ همانند: مدینه (یثرب قدیم)، مدائن (تیسفون)، مدینه الصالح (پترا پایتخت نبطی‌ها).

پی‌نوشت‌ها

۱. کاخ‌ها یا معماری صخره‌ای: «متذکر باشید و فراموش نکنید که شما را پس از هلاک قوم عاد خدا جانشین اقوام سلف نمود و در زمین منزل داد تا اراضی سهله (خاک نرم) قصرهای عالی و از کوه به تراشیدن سنگ منزل‌های محکم بنا کنید پس نعمت‌های خدا را یاد کنید و در زمین به فساد و تبه‌کاری برنخیزید» (اعراف: ۷۴).

منابع

قرآن کریم.

- احتشامی، مهناز و پورصالحی، عاطفه. (۱۴۰۰). «ارتقای ذائقه زیباشناسی بر مبنای حمد در قرآن و روایات». *مطالعات هنر و رسانه*. ۳(۵). ۱۵۵-۱۷۴.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). *حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی*.

تهران: مؤسسه علم معمار رویال.

اسماعیل علام، نعمت. (۱۳۸۲). *هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی*. مشهد: به نشر. اصفهانی، راغب. (۱۳۸۷). *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه حسین راغب اصفهانی. قم: نوید اسلام.

البهنسی، عقیف. (۱۳۸۷). *هنر اسلامی*. ترجمه محمود پورآقاسی، محمود. تهران: سوره مهر.

بهرامی خورشید، سحر و همکاران. (۱۳۹۸). «چند معنایی؛ واژه بیان در قرآن کریم: نگرش چندمعنایی نظام‌مند». *زبان و زبان شناسی*. ۱۵ (۲۹). ۱۳۷-۱۵۸. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۹۳). *هنر اسلامی؛ زبان و بیان*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.

توفیقی، حسین. (۱۳۸۳). «مقدمه‌ای بر مقایسه ادیان توحیدی». *هفت آسمان*. ۲۲. ۶۵-۱۱۲.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). *هنر و زیبایی از منظر دین: سلسه نشست‌های پژوهشی بنیاد سینمایی فارابی*. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). «هنر و زیبایی از منظر دین». *هنر دینی*. ۲۱ و ۲۲. ۴۳-۵۲.

حمزه‌نژاد، مهدی و رهروی پوده، ساناز. (۱۳۹۵). «گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان؛ بر اساس ویژگی‌های قدسی، تنزیه، تشبیه، جمال و جلال». *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۴ (۱۱). ۱۷-۳۸.

حیدری، احمد. (۱۳۹۸). «وجه تسمیه بیشاپور و مکانیابی دو اثر ساسانی در شهر بیشاپور بر پایه گزارش‌های منابع اسلامی». *فصلنامه تاریخ*. ۱۴ (۵۴). ۱۹-۳۴. رز، لزل. (۱۳۹۴). *هنر و معماری در ادیان جهان*. ترجمه علی عسگری و سلامه پروین. تهران: مارلیک.

رضایی هفتادر، حسن. (۱۳۸۹). «هنر معماری و قرآن». *بینات*. ۱۷ (۶۵). ۱۵۲-۱۷۶.

- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کبیری سامانی، علی و همکاران. (۱۳۹۵). «بازشناسی معنی خانه در قرآن رهیافتی در جهت تبیین مبانی نظری خانه». باغ نظر. ۱۳ (۴۵). ۶۱-۷۶.
- کوپا، فاطمه. (۱۳۸۳). «زبان، درون مایه و نظام ویژه ادبیات». پژوهش‌های ادبی. ۲ (۶). ۱۴۷-۱۶۸.
- گرابار، الگ. (۱۳۸۴). «هنر معماری و قرآن». ترجمه و تعلیق حسن رضایی هفتادر. اسلام پژوهی. ۱ (۱۷). ۱۵۲-۱۷۶.
- مددپور، محمد. (۱۳۷۱). حکمت معنوی و ساحت هنر. تهران: حوزه هنری.
- مطیع، مهدی و همکاران. (۱۳۹۲). «بازنمود مفاهیم و ساختار ادبی قرآن در معماری اسلامی». مطالعات تطبیقی هنر. ۳ (۶). ۸۷-۹۸.
- نصر، سید حسن. (۱۳۸۳). معرفت و معنویت. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: سهروردی.
- نصر، سید حسن. (۱۳۸۹). اسلام و تنگناهای انسان متجدد. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: سهروردی.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۸). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری. تهران: پیام سیماگران.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۴). برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: کتاب فکر نو.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۸۱). مفهوم سکونت: به‌سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیریاراحمدی. تهران: آگه.
- هوگ، ج. و مارتن، هانری. (۱۳۷۵). سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی. ترجمه پرویز ورجاوند. تهران: علمی و فرهنگی.
- Dandamayev, M.A. (1990). «BIBLE i. As a Source for Median and Achaemenid History». Encyclopaedia Iranica. vol.4 . New York : Bibliotheca Persica Press.